

بررسی انتقادی بازنمایی روابط خانوادگی در سریال تلویزیونی پایتخت ۶ بر اساس آموزه‌های اسلامی

مرضیه بیگی* (نویسنده مسئول)

سعید امیرکاوہ**

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی انتقادی روابط خانوادگی در سریال تلویزیونی پایتخت ۶ بر اساس اخلاق و آموزه‌های اسلامی است.

روش: این پژوهش از شیوه‌ی اسنادی و کتابخانه‌ای برای ارائه اصول اخلاقی در حوزه روابط خانوادگی بهره گرفته است و پس از آن با روش تحلیل نشانه‌شناسی بر اساس نشانه‌شناسی جان فیسک، محورهای اخلاقی مرتبط با روابط خانوادگی در این سریال را با شیوه‌ی کیفی و از نوع کاربردی بررسی کرده است.

یافته‌ها: یافته‌ها در بردارنده نتایج بررسی انتقادی سکانس‌ها در سریال پایتخت ۶ و اصول اخلاقی در حوزه روابط خانواده است. پژوهش در پی آن است که نکات و مولفه‌های مثبت و منفی را به کمک ۱۱ محور اخلاقی به همراه مصادیق، مورد تشریح و تبیین قرار دهد. محورها

* کارشناسی ارشد، علوم ارتباطات، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صداوسیما، قم، ایران،

Marzieh1.beygi@yahoo.com

** دکترای فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران samirkave@gmail.com



شامل: خوش‌رویی و خوش‌رفتاری، مودت، رحمت و مهربانی، شکیبایی و بردباری، عفو و گذشت، مدارا و حسن خلق، تفاهم و همدلی، احترام و توجه طرفینی، حق‌مداری، تأمین نیازها، سیاست‌گذاری و پرهیز از منت‌گذاشتن و اصل خوش‌گفتاری می‌باشد. یافته‌ها منطبق با مبانی و مستندات قرآنی و روایی جمع‌آوری و تحلیل گردیده است که بیان‌ماحصل آن، ترسیمی از پارامترهای متناسب و شاخص‌های رفتاری مطلوب در خانواده را ارائه خواهد داد. نتیجه‌گیری: با پایبندی و رعایت اصول اخلاقی میان همسران و فرزندان، تربیت صحیح نسل جوان در کانون خانواده به‌خوبی شکل خواهد گرفت، همچنین لازم است پژوهشی جامع درباره تطبیق فرهنگ بومی با آموزه‌های دینی در سبک روابط خانواده‌ها صورت گیرد تا به مدیریت هرچه بهتر در خانواده بینجامد.

کلیدواژه‌ها: بررسی انتقادی، بازنمایی، روابط خانوادگی، سریال پایتخت ۶، آموزه‌های اسلامی، اخلاق

مقدمه

اسلام به‌عنوان مکتبی انسان‌ساز و پرورش‌دهنده بیشترین عنایت را به تکریم، تنزیه و تعالی خانواده دارد و این کانون مقدس را مکان تربیت و مهد مودت و رحمت معرفی می‌کند. خانواده‌ی ایرانی در عصر حاضر، تحت گستره‌ی رسانه‌ای پهناور، از رسانه‌های کلاسیک گرفته تا نوین، قرار دارد. اگرچه رسانه‌های نوین ارتباطی، بخشی از زمان «مصرف رسانه‌ای» اعضای خانواده را به خود اختصاص داده‌اند، اما این تغییر و تحول به حذف رسانه‌های کلاسیک از جمله تلویزیون منجر نشده است به طوری که می‌توان گفت در سال‌های اخیر، تلویزیون دیگر نه به شکلی یک‌جانبه یا به‌عنوان جانشینی برای فعالیت‌های دیگر و یا به‌عنوان ویران‌کننده روابط خانوادگی، بلکه به‌عنوان بستری برای دوره‌می‌های خانواده‌ها و وسیله‌ای کارآمد مورد توجه قرار گرفته است (راوودراد، ۱۳۸۸: ۵۴). رسانه و تلویزیون با توجه به ظرفیت‌های فراگیر آموزشی اخلاقی و تربیتی که دارد، می‌تواند تمام حقایق و واقعیت‌های اجتماعی مانند آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها را به‌همراه راهکارهای برخورد اصولی با چالش‌های

خانواده، چه از طریق دعوت روانشناسان اهل فن به برنامه‌های تلویزیون و چه از طریق الگوسازی برتر موازین دینی در قالب‌های داستانی و نمایشی به خانواده‌های پویای ایرانی منتقل کند.

ازاین‌رو، در فضای رسانه‌ای ایران، تلویزیون همچنان تأثیرگذار بوده و مخاطبان پرشماری را در اختیار دارد.

با نظر به آنچه مطرح شد، برنامه‌های صداوسیما از جمله سریال‌ها و فیلم‌هایی که با موضوع محوری خانواده و به‌طور خاص قالب طنز با تمام ویژگی‌های ساختاری خود، مانند نمایش واقعیت‌ها در شمایل ژانر غیرجدی، بل‌دشده و غیرمستقیم، لایه‌ای و به‌لحاظ زمان در بازه ایام نوروز باشند، مورد اشتیاق مخاطبین واقع می‌شوند. سریال «پایتخت ۶» در بین سریال‌های ویژه نوروز ۹۹ که در ۱۷ قسمت از شبکه یک سیما پخش شد با ۷۹/۲ درصد بیشترین بیننده را داشت، اما میزان رضایت از این سریال نوسانی بوده، به‌طوری‌که در اوایل پخش رضایت بیشتری را شاهد بودیم و حتی این رضایت به حدود ۹۰ درصد هم رسید؛ اما در آخرین نظرسنجی این رضایت به ۷۴ درصد تقلیل یافت و با افت حدود ۲۰ درصدی رضایت، به اذعان مخاطبین به نسبت به سایر سری‌های این مجموعه رو به رو بوده است (خبرگزاری دانشجو، ۱۹ فروردین ۱۳۹۹).

در این گزاره نباید تردید کرد که مجموعه تلویزیونی «پایتخت» یکی از مهمترین برندهای تلویزیون در یک دهه گذشته بوده است؛ سریالی که در آستانه دهه ۹۰ در قاب تلویزیون متولد شد و تا به امروز در طول نزدیک به یک دهه با استمرار تولید در ۶ فصل موفقیتی منحصر به فرد را در مختصات تولیدات تلویزیونی به نام خود ثبت کرده است. اما سری «پایتخت ۶» در عمل مجموعه‌ای از ایده‌های خام و موقعیت‌های ناپخته بود که مخاطب از همان قسمت ابتدایی تا دقایق پایانی در پی این پرسش ساده بود که، «یعنی چی می‌خواد بشه؟» و عملاً در پایان شاهد هستیم که «هیچ» نمی‌شود. مصادیق پرشمار دیگری از این دست موقعیت‌های بلا تکلیف و تعلیق‌های پوچ در داستان «پایتخت ۶» قابل فهرست کردن است؛ از نمونه‌های ریز و خرده داستان‌هایی چون دلالی و دریافت پول بابت اعضای

اهدادهی «بابا پنجعلی»، چالش‌های «هما» برای اخبارگویی در سیما، سفارش ماهواره توسط «سارا و نیکا» تا مصداق‌های کلان‌تری همچون همکاری «ارسطو» با قاچاق‌چیان مواد مخدر و... . با این همه اما تجربه تولید و پخش «پایتخت ۶» بار دیگر اثبات کرد برندهای محبوب چه‌بسا نیاز به محافظت و حساسیت بیشتری برای استمرار تولید و ماندگاری در حافظه مخاطبان دارند؛ شاید بتوان گفت دوست‌داشتنی‌ترین لحظات فصل ششم برای طیف گسترده‌ای از مخاطبان همان تیتراژ ابتدایی و مرور خاطرات فصل‌های گذشته بود نه مواجهه با بلایی که در طول هر قسمت بر سر کاراکترهای محبوب‌شان می‌آمد. در کنار همه این نکات اما اصلی‌ترین استدلال تیم تولید «پایتخت» در مواجهه با انتقادات نسبت به بی‌اخلاقی‌ها و بی‌حرمتی‌ها در فصل ششم شاید این باشد که: «این عین واقعیت جامعه امروز است.» به فرض قبول وجود این میزان از بی‌اخلاقی و سیاهی در جامعه امروز اما بد نیست خالقان «پایتخت» برای دقیقه‌ای هم که شده به این سوال فکر کنند؛ سهم خالقان محبوب‌ترین و پر مخاطب‌ترین محصول نمایشی رسانه ملی در یک دهه گذشته که در تأثیرپذیری و تأثیرگذاری متقابل آن با متن زندگی مردم و خانواده‌ها کمتر کسی تردید دارد، در رسیدن جامعه به شرایط فرهنگی امروز و این بحران اخلاقی چه بوده است؟

رسانه ملی علی‌رغم تکرار زیاد عنوان خانواده و ادعای توجه به آن، هنوز نتوانسته الگوی مطلوب خویش از خانواده را ترسیم کند. تصویری که رسانه از خانواده ساخته و پرداخته، تصویری مغشوش و مبهم است و نسبت چندانی با خانواده ایده‌آل اسلامی-ایرانی ندارد. این مسئله موجب می‌شود نقش‌هایی چون پدر، مادر، دختر، پسر، خواهر و... در هاله‌ای از ابهام فرو روند. تصویر مطلوب خانواده از نظر رسانه، مسئله‌ای جدی است که بدون یافتن پاسخ برای آن حتی نمی‌توان الگوی برتر خانواده تهرانی که تصویر ثابت تلویزیون است، نمایش داده شود، چه رسد به ارائه تصویر خانواده‌های پرشمار اقوام مختلف ایران زمین. رسانه باید قابلیت این را داشته باشد که دین، سنت و فرهنگ‌های متعدد از هر صنف و دسته‌ای را در چارچوبی مشخص قرار داده و تصویری نزدیک به ذهن مخاطبان ارائه دهد. اگر در این زمینه ضعف از خود نشان دهد، بدون شک نمی‌تواند نقشی جدی در جامعه ایفا کند و در نهایت از

رسیدن به یک ترکیب دینی-رسانه‌ای جهت نشر فرهنگ و اخلاق شایسته در قاب ملی یا حتی بین‌المللی ناتوان خواهد ماند.

در این راستا پژوهش حاضر، درصدد بررسی انتقادی بازنمایی روابط خانوادگی به تصویر کشیده شده در سریال پایتخت ۶ از منظر آموزه‌های اخلاق اسلامی است. همچنین در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است؛

روابط خانوادگی در سریال پایتخت ۶ چگونه بازتاب یافته و از منظر آموزه‌های اخلاق اسلامی چه نقدهایی بر آن وارد است؟

و ذیل آن به این پرسش، پاسخ داده خواهد شد؛

روابط اعضای اصلی خانواده با اعضای فامیل نزدیک، روابط همسران و همچنین روابط پدر و مادر و فرزندان در سریال پایتخت ۶ چگونه بازنمایی شده و از منظر اخلاق اسلامی چه نقدهایی بر آن وارد است؟

به‌عنوان پیشینه پژوهش نیز باید گفت که پژوهش‌هایی در این زمینه انجام شده است؛ حسن پیری، مرتضی واحدیان و مهران سهراب‌زاده (۱۴۰۰) پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی رسانه در بازنمایی خانواده و گونه‌های آن (مطالعه موردی صداوسیما مرکز ایلام)» انجام داده‌اند. بر مبنای نتایج این پژوهش، در خانواده سنتی، پایبندی به آداب و رسوم محلی و مقاومت در برابر مدرنیته به منزله یک ارزش تصویر شده است؛ در این خانواده، زن به‌طور معمول «زن پذیرنده» است و تصمیم‌گیرنده اصلی مرد است و آنجا هم که زن در موضوعی مهم تصمیم می‌گیرد، نتیجه‌ی نابه‌هنجاری را رقم می‌زند. آنچه که در این سریال‌ها نمایش داده می‌شوند را می‌توان در بطن جامعه نیز دید. به عبارتی می‌توان سمت‌وسوی شبکه استانی مرکز ایلام را در سریال‌های مورد مطالعه، تمرکز بر پذیرش مردانگی و زنانگی سنتی و سیطره‌ی آن بر سایر مردانگی‌ها دانست که در طول سال‌های پخش سریال‌ها (۱۳۸۸-۱۳۹۲) این نحوه‌ی بازنمایی، به‌صورت مسلط حاکم بوده است.

احسان آقابابایی (۱۳۹۵) پژوهشی با عنوان «تحلیل روایت چگونگی بازنمایی خانواده در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران» را انجام داده است. نتایج در سطح گفتمان نشان



می‌دهند که گفتمان فیلم‌ها با گفتمان سیاسی-اجتماعی در هر دهه هم‌پوشانی دارند. بدین معنا که ساختار روایت فیلم‌ها به‌گونه‌ای سامان یافته‌اند که ابعاد گفتمانی هر دهه را در بازنمود انسجام، دوام و واپاشی خانواده در نظر دارند.

هرمزی‌زاده، صلواتیان، قاسمی‌تبار (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان «بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی پایتخت»، با استفاده از روش نشانه‌شناختی به تحلیل ۲۰ قسمت مختلف از چهار فصل این سریال پرداخته‌اند.

علی‌درویشی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه ارشد خود با عنوان «بررسی سبک زندگی با رویکرد اخلاق اسلامی در سریال پایتخت ۲» سعی داشته با توجه به دستورالعمل تدوین شده از بیانات مقام معظم رهبری به بررسی عملکرد رسانه ملی و ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی بپردازد.

محسن بنی‌هاشمی و غلام‌عباس پرویز (۱۳۹۲) پژوهشی با عنوان «بازنمایی خانواده در سریال تلویزیونی «راه طولانی» و مقایسه‌ی آن با سیاست‌های رسانه‌ی ملی در افق رسانه» انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد، خانواده‌ای که در سریال «راه طولانی» بازنمایی شده، با مسئله‌ی «فرزندسالاری» و خواسته‌های نابه‌جای فرزندان مواجه بوده است.

چارچوب مفهومی

رویکرد انتقادی

رویکرد انتقادی ابزاری است برای تجزیه و تبیین و استدلال معانی بنیادی از فرعی که با تلفیق استعاره‌ها و تشبیهات و تمثیلات در کنار آن، به درک و جهت‌دهی هرچه بهتر مؤلفه‌ها و مفاهیم عقلانی منجر می‌شود (فیشر^۱، ۲۰۱۱: ۵۶).

مؤلفه‌های انگیزشی (تعصب نداشتن، کنجکاو بودن، ذهن باز داشتن، هدفمند بودن) و مؤلفه‌های مهارت شناختی (پرسش درست، شناخت منابع، استدلال) دو مؤلفه‌ی اصلی تفکر انتقادی محسوب می‌شوند (گلاسر، ۱۳۸۷: ۹۳). در سری ششم سریال پایتخت،



علت و معلول‌های غیرمنطقی در داستان، عدم انسجام خرده‌روایت‌ها، استفاده زائد از محصولات که شائبه تبلیغات آن‌ها به ذهن می‌رسید، ریتم و ضرب‌آهنگ کند چند قسمت میانی که کمکی به پیشبرد روایت نمی‌کرد و حضور و غیاب شخصیت‌هایی که ضرورت و کارکرد معنایی برای آن‌ها تعریف نشده بود؛ یا نماهای دفرمه^۱ از هر زاویه ممکن که مشخص نبود از چه پشتوانه‌ی زیباشناسانه یا بصری برخوردار است، از جمله المان‌هایی است که بر اهمیت بازنگری و نقد ساختاری-محتوایی این اثر، دامن زده است.

بازنمایی

بازنمایی، بهره‌گیری از زبان برای بیان مطالب معنی‌دار یا نمایش جهان معنی‌دار به اشخاص دیگر، تعریف می‌شود. بازنمایی بخشی اصولی از فرآیندی است که به تولید معنا و مبادله آن در میان اعضای یک فرهنگ می‌پردازد و در بردارنده‌ی استفاده از زبان، مفهوم، نشانه‌ها و تصاویر است. از دیدگاه استوارت هال، ما جهان را از طریق بازنمایی می‌سازیم و بازسازی می‌کنیم. بازنمایی از مفاهیم بنیادین در مطالعات رسانه‌ای است. بازنمایی، راه و روشی است که رسانه‌ها از طریق آن، حوادث و واقعیت‌ها را نشان می‌دهند. مفهوم بازنمایی در رسانه‌ها عبارت است از برساختی که رسانه‌های جمعی از جنبه‌های مختلف واقعیت، مثل افراد، اماکن، اشیاء، اشخاص، هویت‌های فرهنگی و سایر مفاهیم ایجاد می‌کنند (هال^۲، ۲۰۰۷: ۸۳). در این پژوهش مبنای بررسی بازنمایی روابط خانوادگی در سریال پایتخت ۶، آموزه‌های اسلامی می‌باشد.

آموزه‌های اسلامی

آموزه‌های اسلامی شامل عقاید نظری درباره مبدأ هستی (خداشناسی) و راهنمایان زندگی (پیامبران) و مقصد زندگی (آخرت) است. دستورهای اخلاقی شامل فرامین اخلاقی

1. Deformed.

2. Hall.

است که در گستره علم اخلاق بررسی می‌شود. احکام دینی یا احکام شرعی نیز شامل عبادات و مسائل ضروری حیات فردی و اجتماعی است که در علوم شرعیه بررسی شده و در اسلام به آن، علم فقه گفته می‌شود. هر یک از آموزه‌های اسلامی در ارتباط با یکدیگر بوده و احکام، جدای از اخلاق و اخلاق جدای از اعتقادات و ایمان نیستند. پژوهش حاضر با معیار قرار دادن دایره اصول اخلاقی از آموزه‌های اسلامی بهره گرفته است (طوسی، ۱۳۷۷: ۴۸).

نقش رسانه‌های نوین در چالش‌های اخلاقی و ارزشی خانواده

رسانه‌های نوین به‌عنوان یکی از عوامل مهم اثرگذار بر تحولات خانواده در دگرگونی روابط درونی بین اعضای آن نقش اساسی داشته‌اند. از سوی دیگر پیامدهای مثبتی چون افزایش سطح آگاهی اعضای خانواده، شناخت روش‌های بهتر در برخورد با فرزندان، بهره‌مندی از امکانات بهداشتی، آموزشی و... را موجب شده است. رسانه‌های بصری می‌توانند با تولید برنامه‌های مناسب ضمن دستیابی به اهداف تعریف‌شده از پیامدهای ناخواسته جلوگیری کرده و عملکرد رسانه را در قالب طرح الگوهای موفق، ضمن تقویت باورهای درست و تصحیح نگرش‌های نادرست ارتقاء بخشند (منادی، ۱۳۹۵: ۴۵).



تهدید تربیت کودکان

امروزه رقیبی به نام تربیت رسانه‌ای از قبیل ماهواره و اینترنت، فضای مجازی، جایگزین فضاهای تربیتی در خانواده شده است. وسایل ارتباط جمعی سرعتی وصف‌ناپذیر یافته و زمان و مکان را درنور دیده است و هیچ مانعی را بر سر راه خود بر نمی‌تابد. نوجوانان که بازیگران اصلی و سواران پیش‌تاز این موج هستند، نیز بیش از هر زمان دیگری نیاز به شناختن و شناخته شدن دارند. بعد از ظهور فضاهای مجازی خلأیی جدی در عرصه هویت‌سازی ایجاد شد که، ساختار هویت از هویت ملی-اسلامی به هویت مبتنی بر تفکر غرب تغییر یافت. هویت، سبک زندگی و مصرف‌گرایی مبتنی بر تفکر اختصاصی غرب در جامعه شکل گرفت و در مورد تعاریف هویت بین نسل جدید و قدیم در بین خانواده‌ها گسست جدی ایجاد کرد و این شکاف روزبه‌روز عمیق‌تر می‌شود (رضائی، ۱۳۹۴: ۹).

تهدید خانواده‌ها

تخریب فرآیندهای درونی‌سازی ارزش‌های اسلامی، خطر به ابتذال کشیده شدن خانواده ایرانی، رواج بی‌بندوباری، بدحجابی، شکستن قبح و بی‌وفایی در خانواده از مهم‌ترین نگرانی‌ها و خطرهای رسانه‌های نوین برای خانواده‌های ایرانی است. خطر از دست رفتن هژمونی اسلامی، نفوذ رسانه در قوت بخشیدن به ارزش‌های مدرنی همچون مادی‌گرایی، فردگرایی، آزادی‌های نامحدود و کامیابی به هر قیمتی که باعث تغییر ارزش‌های سنتی و گاه ایجاد تضاد ارزشی بین زوجین خواهد شد، افزایش روزافزون آمار طلاق، افزایش سن ازدواج، کاهش میزان باروری و افزایش مشارکت اجتماعی، اشتغال بی‌وقفه زنان تحت عنوان بیگاری، از پیامدهای رسانه‌ای شدن است که ساختار روابط خانوادگی در جامعه ایران را تحت شعاع قرار داده است.



نمودار ۲. تهدیدهای تربیت نوین رسانه‌ای در خانواده

روابط خانوادگی از منظر آموزه‌های اسلامی و نظریه مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها

ارتباط صمیمانه، خشت‌بنای خانواده سالم و موفق است. عواملی همچون درک و احترام متقابل و همچنین صداقت و یک‌رنگی در نظام خانواده بر عیار آن می‌افزاید (آقداغی، خنیفر، دانایی‌فرد، دلشادتهرانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷). نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی به تشریح بایدها و نیایدهای حاکم بر وسایل ارتباط‌جمعی در جوامع مختلف می‌پردازد؛ رسانه‌ها باید در عین پاسخگویی به نیازهای مخاطبان، در برابر فعالیت‌های خود نیز مسئولیت داشته باشند و وظایف اجتماعی خود را محدود به گیرندگان پیام یا مالکان رسانه‌ها ندانند. کارکردهای نظریه‌ی مسئولیت اجتماعی عبارتند از:

۱. خدمت به نظام سیاسی مورد اتفاق از سوی اکثریت؛
۲. اطلاع‌رسانی به افکار عمومی و ارتقای حاکمیت ملت بر خود؛
۳. حمایت از حقوق افراد در جامعه و حقوق دولت در خدمت‌رسانی به جامعه با حفظ احترام به نهضت رسانه؛
۴. خدمت‌رسانی به نظام از طریق اعلام فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی (غفوریان، ۱۳۸۵: ۴۵).

نظریه‌ی مسئولیت اخلاقی-اجتماعی، بر این نکته تأکید دارد که رسانه‌های همگانی درحالی‌که امور اطلاع‌رسانی، تفریحی و آموزشی را به عهده دارند، مسئولیت انعکاس

بی‌دخل و تصرف همه‌ی رخداده‌ها، کشمکش‌ها و نظریات طرح‌شده در جامعه و گفت‌وگو درباره‌ی آن‌ها را نیز به‌دوش می‌کشند. در این الگوی یاد می‌شود که، اگر رسانه‌ها به تعهدات خود عمل نکنند یا اصل بی‌طرفی را رعایت نمایند آن‌ها را باید وادار به رعایت این مبانی کرد. در الگوی مسئولیت اجتماعی سعی می‌شود بین سه اصل «آزادی فردی»، «آزادی رسانه‌ها» و «تعهدات رسانه‌ها» نسبت به جامعه و خانواده‌ها نوعی هماهنگی به وجود آید. در فرهنگ اسلامی هم، معنای مسئولیت اجتماعی رسانه‌ها کمی متفاوت و البته گسترده‌تر است؛ بدین معنا که هر فردی علاوه‌بر اندیشیدن در مصالح خود و مسئولیت نسبت به خود، نسبت به افراد جامعه و هم‌نوعان خود نیز مسئول است. بدین منظور رسانه دینی باید نسبت به اصول، سیاست‌ها و چارچوب بینشی که می‌خواهد بر اساس آن محتوای تولیدی بسازد، اشرف کامل داشته باشد. رسانه در برابر جامعه، تکلیف اجتماعی و به‌تبع آن، مسئولیت اجتماعی دارد. این مسئولیت در برابر ارزش‌هایی چون صداقت، دقت، عینیت برای پاسداری از اهداف عموم موردتوجه قرار می‌گیرد. با نظر به دیدگاه بالا شاکله رسانه آرمانی، مانند رسانه نئولیبرالیستی محدود به اهداف فقط مادی نخواهد بود، بلکه دامنه گسترده‌تری از نیازهای بشری را در بر می‌گیرد که می‌تواند تجلی‌گاه ظهور مکتب تبلیغی، تربیتی و اسلامی باشد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش داده‌ها با بهره‌گیری از روش اسنادی جمع‌آوری شده و فرم و محتوا مورد توصیف و تحلیل قرار می‌گیرند و از طریق نشانه‌شناسی جان فیسک و بازنمایی سطوح رمزگان اجتماعی، فنی، ایدئولوژیک، ابعاد و اصول اخلاقی در روابط خانواده مورد بررسی قرار گرفته است. روش کلی این پژوهش به شیوه تحلیل کیفی است. جامعه آماری آن، کل سریال و سکانس‌های مرتبط با مباحث اخلاقی مطرح‌شده در سریال پایتخت ۶ است.

جدول ۱. سطوح تحلیلی نشانه‌شناسی جان فیسک

رمزگان مرتبط	سطوح تحلیل
رمزهای اجتماعی: ظاهر لباس، چهره‌پردازی، محیط، رفتار، گفتار، حرکات سر و دست، صدا.	سطح نخست: واقعیت
رمزهای فنی: دوربین، نورپردازی، تدوین، موسیقی و صدا برداری که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می‌دهند و رمزهای اخیر نیز بازنمایی عناصر دیگری را شکل می‌دهند. از قبیل: روایت، کشمکش، شخصیت، گفت‌وگو، زمان و مکان، انتخاب نقش آفرینان و غیره.	سطح دوم: بازنمایی
رمزهای ایدئولوژیک: فردگرایی، پدرسالاری، نژاد، طبقه اجتماعی، مادی‌گرایی، سرمایه‌داری و...	سطح سوم: ایدئولوژی

یافته‌ها

روابط اعضای خانواده با اعضای خانواده نزدیک (خانواده گسترده) از منظر اخلاق و آموزه‌های اسلامی

«نقی» فرد آبروداری است که با شرافت زندگی خود را در کنار خانواده‌اش می‌گذراند، نقی معمولی اعتماد به نفس بالایی دارد، ارتباطات خوبی برقرار می‌کند. علی‌رغم مشکلات، از خواهر خود حمایت می‌کند و با وجود داشتن دو خواهرزاده و مشکلات بی‌شمار آن دو و نیز مشکلات پسرخاله‌اش ارسطو، همواره در کنار آنان است. از این‌رو، دارا بودن مودت و رحمت، مهربانی نسبت به خانواده و بستگان نزدیک، از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که باعث محبوبیت کاراکتر «نقی» شده است. از طرفی همسر نقی «هما» با آنکه هیچ‌گونه قربانی از لحاظ فکری و سبک زندگی با خویشاوندان همسرش ندارد، اما همچنان با صبر و تحمل با آن‌ها مدارا کرده و و این پیوند فامیلی را نمی‌گسلد. رسول خدا ﷺ فرمود: به کسی که محروم کرده، عطا کن، با کسی که از تو بریده، رابطه برقرار ساز و از کسی که بر تو ستم کرده، درگذر. هرگاه چنین کردی، خداوند پشتیبان تو خواهد بود (مجلسی، ۱۳۷۳: ۷۱). اما

از نکات فوق که بگذریم روی دیگر سکه، خانواده‌ای که در سری ششم پایتخت به نمایش گذاشته شد، مجموعه‌ای از اشخاص و تعاملات مشکل‌دار بین آن‌ها را روایت می‌کند. شخصیت نقی در پایتخت ۶ با برخی ویژگی‌هایی منفی جدید نسبت به قبل همراه شده است. نقی معمولی رگه‌هایی از اختلال شخصیت نمایشی^۱ دارد. او به قول عامه یک فرد نان به نرخ روز خور است. به دیگران کمک می‌کند و زمانی که می‌بیند نماینده مجلس نیاز به کلیه پدرش دارد، ترتیب اهدای آن را می‌دهد ولی آنقدر آن را بازگو می‌کند، که ارزش معنوی آن از بین می‌رود. او در ارتباط با خانواده نزدیک، فردی اقتصادی است و زمانی که می‌فهمد بهبود زنده است، سنگ قبر او را کنده و از آن به عنوان سنگ میز استفاده می‌کند. او برای مطرح شدن در فامیل و آشنا از همسرش می‌خواهد که خبر بازگشت وی از حج در اخبار استانی بیان شود. از دیگر ابعاد نمایشگری نقی در روابط خانوادگی میل به مافوق بودن، هد فامیل بودن، به نمایش گذاشتن همه چیز حتی امر معنوی مثل حج است. در این راستا نقی معمولی خوب حرف می‌زند و مدام از خودش، توانایی‌ها و شغل مهمش تعریف می‌کند. در چند صحنه از جمله بعد از تصادف، متوسل به دروغ و داستان‌پردازی در مورد تصادف و انت با اتومبیل نماینده می‌شود و خودش را در سطح یک قهرمان رزمی کار بالا می‌برد. او همچنین به بچه خواهرش یعنی بهتاش کمک می‌کند؛ ولی به او نیش‌زبان هم می‌زند. درباره همه چیز نظر می‌دهد، بدون آنکه اهل کتاب و مطالعه باشد (این ویژگی ثابت او کم‌وبیش در تمام قسمت‌های سریال مشهود بوده است).

روابط همسران در سریال پایتخت ۶ از منظر اخلاق و آموزه‌های اسلامی

«نقی» با وجود برخی حسادت‌ها و بداخلاقی‌هایش، همواره برای رفاه همسرش «هما» و دخترانش تلاش می‌کند، از پیشرفت همسرش خوشحال می‌شود و در قبال همسرش رفتاری مؤدبانه، حساب‌شده، حمایت‌گر و اطمینان‌بخش دارد (به‌طور مثال، صحنه‌ای که هما می‌خواهد اخبار بگوید و نقی در مجلسی درگیر است، به هما اطمینان

1. hystrionic personality.

و آرامش خاطر می‌دهد که اخبار را خوب اجرا می‌کند). این امر، به اشکال مختلف در بازی نقی برجسته است که به نظر نویسنده، می‌تواند برای مخاطب الگوی آموزشی خوبی در رفتار با همسر باشد. در بحث اخلاق اسلامی، مرد باید نقش مراقبتی و حمایتی نسبت به خانواده‌ی خویش داشته باشند. اما ازسویی تکیه بیش از حد نقی به همسرش نه از روی اعتماد و حمایت که از ترس از دست دادن هر آن چیزی است که دارد، می‌باشد و این نکته از او فردی ترسو، ضعیف، دروغگو و متظاهر بازنمایی کرده است. او در موقعیت‌های مختلف نمی‌تواند درست صحبت کند و با درآوردن صدایی شبیه به یک حیوان طرف مقابلش را ساکت می‌کند. بهبود نیز در شرایطی برگشته تا سرپرستی خانواده را برعهده بگیرد که هیچ‌کس به او احتیاج ندارد. در سری‌های پیشین زمانی که شخصیت‌ها به پیچ‌های سخت زندگی می‌رسیدند مخاطب با آن‌ها همراهی می‌کرد. اما در اینجا کسی با بهبود همراهی نمی‌کند زیرا این مرد ضعیف و بدون تلاش را کسی نمی‌شناسد. در ارتباط با همین مطلب، پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «مرد نگاهبان و مراقب خانواده‌اش است و باید در قبال آنان پاسخ‌گو باشد» (نیشابوری، ۱۳۷۰: ۱۰). شخصیت «هما» همسر نقی هم، در سری ششم سریال پایتخت به‌نوعی دچار عدم ثبات و تزلزل رفتاری است. هما به‌عنوان نماد زن ایرانی تحصیل‌کرده، که در فصول گذشته تلاش می‌کرد نقی را هدایت کند و برای زندگی‌اش صبوری می‌کرد، این بار خود از خط خارج شده، دخترانش را بدون اجازه پدر به اردو می‌فرستد و به همسرش دروغ می‌گوید. برای رفتن جلوی دوربین ماسک آرایشی می‌گذارد و در بخشی هم می‌بینیم که فهمیده او را ترغیب می‌کند برای زیبایی بیشتر جلوی دوربین دست به بوتاکس و تاتو... بزند. که تمامی این موارد صحنه بر ادامه روند تغییرات منفی است.

روابط پدر و مادر و فرزندان در سریال پایتخت ۶ از منظر اخلاق و آموزه‌های اسلامی

در مورد روابط والدین و فرزندان می‌توان گفت در این سریال با دو سنخ از روابط والدین و فرزندان مواجه هستیم که یکی از این سنخ‌ها به‌صورت آشکار تحت گفتمان بی‌احترامی و توهین است و دیگری به‌صورتی پنهانی این گفتمان را بازتولید می‌کند، شخصیت بهتاش یک

شخصیت منفی و غیراخلاقی است که شخصیت مرزی^۱ دارد. او پسری سرکش و لجباز است که شیوهی زندگی اش با آداب و رسوم و فرهنگ خانواده او هماهنگ نبوده، نمایشگر شکست زحمات خانواده در برقراری ارتباط با فرزند است. بهتاش، گرچه به ظاهر به ورزش و پیشرفت ابراز علاقه می‌کند، اما هتاک و بی‌احترامی‌های او به بزرگترها، در این فصل از سربال برجسته‌تر شده است. دست بلند کردن او روی نقی، خطاب قراردادن مادر و زن دایی اش به اسم کوچک، ارتباطات نامتعارف و منافی اخلاق با دختران و تیغ زدن اطرافیان با دروغ و دغل از جمله رفتارهای اوست. این موارد نشانگر عدم تعهد و مسئولیت‌پذیری او نسبت به خانواده اش می‌باشد.

اهمیت احترام به پدر و مادر در قرآن، پس از مسئله‌ی توحید بیان شده است و این امر، نشان‌دهنده‌ی اهمیت این حکم در پیشگاه الهی است. خدای متعال می‌فرماید: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا»؛ و پروردگارت فرمان داده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند کمترین اهانت به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف، سنجیده و بزرگوارانه به آن‌ها بگو و نیز بال‌های تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنان فرود آر و بگو: پروردگارا، «همان‌گونه که آن‌ها مرا در خردسالی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت قرار ده»^۲. فرزندان خانواده (سارا، نیکا، بهروز، بهتاش) هم دنیایی متفاوت از خانواده دارند. آن‌ها ارزش‌های خانوادگی را درک نمی‌کنند و به محض رسیدن به پول تغییر رویکرد می‌دهند. این تغییر رویکرد در بهتاش با زندگی مجردی عیان می‌شود، حتی در سارا و نیکا نیز وجود دارد. آن‌ها در شبکه‌های مجازی فعال هستند و چه بسا می‌توانند درآمد کسب کنند. همین آن‌ها را مصمم می‌کند بدون مشورت با پدر و مادر اقدام به نصب ماهواره کنند. پس آنچه فرزندان بالغ را به خانواده وصل

1. borderline personality.

کرده محبت و امن بودن محیط خانه نیست بلکه نیاز مالی و ابتدایی است. وقتی این نیاز به هر طریقی برطرف شود فرزندان دست به شورش بر علیه باورهای خانواده می‌زنند. حرمت بزرگترها را می‌شکنند و سنت‌ها را پایمال می‌کنند. بهروز برادر بهتاش هم با وجود سن کمش یک خاله‌زنک تمام‌عیار است که در حین نگارش تکالیف درسی یا بازی، به کلام بزرگسالان گوش می‌دهد و دائم خبرکشی می‌کند. به نظر می‌رسد این ویژگی‌ها در کنار طنز قوی که در کلام و زبان بدن بازیگران وجود دارد، باعث الگوگیری در کودکان کم‌سن‌وسال و فاقد تحلیل رفتارهای منفی می‌گردد.

بازنمایی سریال پایتخت ۶

بر مبنای الگوی جان فیسک، جداولی طراحی شده که ابعاد اخلاقی موردنظر در روابط خانوادگی به تصویر کشیده شده‌اند. سریال پایتخت ۶ به ترتیب، از منظر سه سطح رمزگان اجتماعی، فنی و ایدئولوژیک مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در ادامه به‌عنوان نمونه هر یک از سکانس‌های انتخاب شده‌ی فیلم، به همراه خلاصه آن و نیز نقد از منظر اسلامی گنجانده شده است.

جدول ۲. اصل خوش‌رویی و خوش‌رفتاری

اصل خوش‌رویی و خوش‌رفتاری			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک
۱	همه اعضای خانواده با لباسی تیره در بالای پاگرد کنار هم ایستاده‌اند و جمیله با لباسی روشن در پایین و وسط حیاط و به‌تهایی تصویر شده است.	بیشتر نماها از نوع نمایی متوسط و نمایی کامل هستند بدین ترتیب که در ارتباط و گفت‌وگویی میان جمیله و شوهرش بیشتر	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر عدم خوش‌رویی و خوش‌رفتاری جمیله با شوهرش دارد. در این رابطه می‌توان گفت کینه‌توزی و

<p>شوهر جمیله (تقی) با حالتی توأم با ترس خودش را در پشت همه و در دورترین نقطه خانه پنهان می‌کند.</p> <p>جمیله با حالتی عصبانی و با صدای بلند شوهرش را تهدید می‌کند: «ای فلک زده از دست من فرار کرده‌ای و رو آورده‌ای به این‌ها، این‌ها که سهم تو را بالا کشیده‌اند، «شما خانواده‌اش، هی گفتید معتاده، عمل داره، هی زدید به سرش.» سپس رو به بقیه می‌کند و می‌گوید: «من او دم تکلیفم رو روشن کنم، اون خاک بر سر (اشاره به شوهر) که نمی‌تونه حقش رو بگیره.»</p>	<p>از نمای متوسط استفاده شده که نشان دهنده‌ی رابطه‌ی شخصی با سوژه است. دوربین چرخشی نماهای دور، متوسط و درشت را نشان می‌دهد. نمای درشت از چهره‌ی جمیله که اضطراب و خشم او را نشان می‌دهد. از سوی دیگر نمای متوسط و درشت نشان از مشاجره و بحث و جدل بین سوژه‌ها دارد. نمای چهره جمیله از پایین به بالا نشان داده شده که حاکی از دون شأن بودن شخصیت او در دیدگاه اعضای خانواده است.</p>	<p>به دل گرفتن و به خصوص به رخ کشیدن رفتارهای ناپسند اعضای خانواده، بسیار مذموم بوده و در تعالیم اسلامی نکوهش شده است.</p> <p>انسان دچار لغزش و اشتباه می‌شود و مرد هم از این قاعده مستثنی نیست، پس لازم است که زن هم با تدبیر و اندیشه، خطاهای احتمالی همسرش را نادیده بگیرد.</p> <p>رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر گاه پیوند ازدواج صورت پذیرفت هر فرد موظف است و باید در احترام و گرمی‌داشت همسرش بکوشد، خطای او را به‌طور مرتب بازگو نکند و از آن‌ها درگذرد. (حرعاملی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).</p>
--	---	--

جدول ۳. اصل مودت، رحمت و مهربانی

اصل مودت و رحمت، مهربانی			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
نه	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک
۱۰	صبح خیلی زود پسر	نمای صحنه؛ بهبود	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی

<p>کوچک بهبود فریبا «بهروز» سعی می‌کند خودش را از آغوش پدر که در خواب، او را بغل کرده بیرون بکشد. با حرکت کش و قوس‌وار او، بهبود از خواب برمی‌خیزد و به پسرش می‌گوید: «چه شده بابا؟» پسر: «بابا خواب موندم. مامان منو بیدار نکرده که برم مدرسه، دایی هم رفته، آگه بود منو می‌برد».</p>	<p>فریبا را در اتاق خواب نشان می‌دهد که پسر کوچکش را در آغوش گرفته است. فضای اتاق کاملاً روشن و امیدبخش روزهای بهتری است. وجود همزمان موسیقی در این صحنه حاکی از شروع فصلی تازه در روابط پدر و پسر این دو فرد است.</p>	<p>بررسی شده دلالت بر محبت و مهربانی نقی معمولی نسبت به اعضای خانواده خواهرش است چرا که در سال‌هایی که بهبود فریبا ناپدید شده بود، نقی معمولی مسئولیت برآورده کردن امور منزل خواهرش را برعهده گرفته بود در این باره می‌توان یادآور شد که هنگام وفات پدر یا مادر در یک خانواده، همه اقوام و آشنایان وظیفه دارند جای خالی او را پر کنند؛ مردان نباید بگذارند گرد یتیمی بر چهره‌ی فرزندان آن خانواده بنشیند و همان‌طور که به فکر فرزندان خود هستند، به فکر کودکان یتیم نیز باشند. زنان فامیل هم، خود را مادر فرزندان یتیم و آن‌ها را فرزندان خود بدانند و نگذارند طعم تلخ بی‌مادری را بچشند.</p>
---	---	--

جدول ۴. اصل شکیبایی و بردباری

اصل شکیبایی و بردباری			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک
۳	قبل از رفتن نقی به حج تمتع، خانواده مراسمی با حضور اقوام و دوستان برگزار کرده‌اند. نقی	موسیقی سنتی متناسب با فضا و صدای جمعیت مهمان‌ها در	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر شکیبایی و بردباری ازسوی نقی دارد. نقی با

<p>انتظار دارد دخترانش سارا و نیکا را قبل از خداحافظی ببیند. وقتی آن‌ها را در کنار خود نمی‌بیند با حالتی حاکی از یأس باد لپش را خارج می‌کند و می‌گوید: «این دو تا بچه کجان؟ چرا خودشون رو نشون نمیدن؟» هما می‌گوید: «این دو تا تازگی‌ها خیلی حساس شدن، دلشون نمی‌خواست لحظه‌ی آخر با تو خداحافظی کنن. الان خونه‌ی فهیمه ان» نقی می‌گوید: «بابا مگه میشه، این‌ها بچه‌های من، من باید این‌ها رو ببینم» هما می‌گوید: «نه دیگه ولشون کن لطمه می‌خورن، امتحان‌هاشونم نزدیکه» و بعد با جمع کردن کیفش می‌گوید: «نقی جان، پس من برم سر برنامه پخش اخبار؟» و نقی از سر ناچاری می‌گوید: «برو» و به‌سوی همسرش می‌رود تا او را در آغوش بکشد که صدایی مانع می‌شود.</p>	<p>محیط پخش می‌شود. زاویه دوربین هم سطح با چشم است که عادی بودن صحنه را در عین هیجان‌ات بعدی که در شرف وقوع است نشان می‌دهد و نمایی متوسط، رابطه شخصی و نزدیک سوژه‌ها با هم را بیان می‌کند. اتاق دارای پرده‌هایی ضخیم می‌باشد که تا نیمه به کنار رفته است. نماهای متوسط از فضای اتاق و نمای درشت و کلوز آپ از چهره نقی و هما برای نشان دادن حالات دقیق درونی و اضطراب آن‌ها است. نور فضای اتاق روشن است و حس تمرکز بیشتری به مخاطب القاء می‌کند.</p>	<p>اینکه دوست دارد در موقع خداحافظی، اعضای خانواده در کنارش باشند ولی نه همسر و نه فرزندان را در کنار خود نمی‌بیند. نقی در این فیلم همیشه و در هر موقعیتی، یاری‌رسان همسر و فرزندان است، بی‌آنکه انتظاری از آن‌ها داشته باشد. به‌لحاظ اخلاق اسلامی باید گفت: عفو، گذشت، بخشش و نادیده‌گرفتن بدی‌های طرف مقابل، به طرز قابل توجهی محتاج صبر و شکیبایی است؛ یعنی تا وقتی زن یا شوهر در خانواده در برابر نامالایمات خانوادگی و در رویارویی با عیوب و اشکالات سایر اعضای خانواده، صبور و شکیبا نباشد، نمی‌تواند به‌دستور سازنده‌ی قرآن کریم عمل کند و در نتیجه از حاکمیت و اصل و اساس شکیبایی در زندگی خارج می‌گردد که حاصل آن کمبود مهر و محبت، و صفا و صمیمیت در محیط خانواده است.</p>
---	--	--

جدول ۵. اصل مدارا و حسن خلق

اصل مدارا و حسن خلق				
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی	
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک	
۷	به یک باره پدر «بهبود فریبا» به همراه دو کودک سیاه پوست در مقابل بهتاش، در فرودگاه ظاهر می شود. پدر با دیدن بهتاش با خوشحالی دست هایش را باز می کند تا او را در آغوش بگیرد و می گوید: «بهتاش پسر، چقدر عوض شدی، چقدر بزرگ شدی، بیا بغلم» بهتاش با دیدن آن دو بچه دست رد بر سینه پدر می زند و می گوید: «اجازه بده، قبل از اینکه بغل کنی اول تکلیف این دو تا بچه رو روشن	از نماهای درشت و پلان های کوتاه و پی در پی برای نشان دادن میزان خشم بهتاش نسبت به پدرش و برخورد تند فیزیکی با او استفاده شده است. زاویه دوربین از نگاه بهتاش بالا به پایین است از نماهای درشت و تدوین منقطع و پلان های کوتاه، برای نشان دادن اضطراب و خشم بهتاش استفاده می شود. در مقابل تغییر مداوم بین نمایی متوسط و درشت، نشان از کشمکش بین دو سوژه دارد. نورپردازی درون مایه روشن و سایه تیره دارد که متناسب با فضای انتظار و	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر عدم مدارا و حسن خلق بهتاش نسبت به پدر دارد. بهتاش زمانی که بعد از سال ها و پس از اینکه تصور می کرده پدرش فوت کرده است، او را می بیند و به جای آنکه با دیدن پدر و آگاهی از سلامتی اش به سوی او برود و با شغف او را در بغل خود گیرد، دست رد بر سینه پدر زده و از او با عصبانیت می پرسد که ماجرای این دو بچه ای که در کنار او است، چیست و می گوید تو از شمر هم بدتری که نشان از بدخلقی و سوء معاشرت بهتاش در برخورد با پدرش می باشد. خداوند در آیات حیات بخش قرآن کریم، سپاس از پدر و مادر را در کنار سپاسگزاری و پرستش از ذات تعالی خویش بیان داشته و می فرماید: «واذا اخذنا میثاق	ایدئولوژیک

کن، این بچه‌ها مال کی هستند؟».	سپس وقوع یک درگیری است.	بنی اسرائیل لاتعبدون الا لله و بالوالدین احساناً؛ ^۱ «از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر نیکی و احسان نمایید».
--------------------------------	-------------------------	--

جدول ۶. اصل تفاهم و همدلی

اصل تفاهم و همدلی			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدیولوژیک
۹	«بهتاش» در مسابقات فوتبال نساجی به‌عنوان دروازه‌بان تیم، خوش درخشیده است، بهتاش با لباسی ورزشی در وسط اتاق نشسته، دیوارهای اتاق با عکس‌های فوتبالی بهتاش تزئین شده است. وقتی بهتاش با این عدم استقبال و عدم شادی والدینش از پیروزی در تیم نساجی روبه‌رو می‌شود، با حالتی سرشار از یأس با خود صحبت می‌کند و می‌گوید: «چه استقبال گرمی کردید از من، ای خدا، ای خدا، بیرانوند،	نمای معرف از اتاق میانی خانه، نمای درشت از چهره بهتاش که گویی مستاصل و پا در هوا مانده است، نشان از حس تحقیر او و مورد بی‌توجهی واقع شدن از سوی خانواده را نشان می‌دهد. نورپردازی و ایجاد رنگ‌های خاموش و تیره در صحنه، پوششی متناسب با موضوع انتقاد سوژه از وضعیت موجود است.	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر اصل عدم تفاهم و همدلی با فرزند از سوی فهیمه و بهبود فریبا دارد. بهتاش بعد از بازی خوب در تیم نساجی بسیار خوشحال است و در پوست خود نمی‌گنجد اما وقتی به خانه می‌آید آثاری از خوشحالی را در فضای خانه و در بین اعضای خانواده نمی‌بیند و مشارکت آنان را در موقعیت خود حس نکرده و نمی‌تواند شادی‌اش را با آنها

<p>سهیم شود. بنابراین به خاطر فقدان محبت پدر و مادر به شدت احساس تنهایی می‌کند. در این رابطه می‌توان گفت، محبت و همدلی والدین آثار مستقیم بر محافظت و مراقبت از فرزند دارد؛ زیرا هنگامی که والدین از وضعیت و شرایط فرزندشان آگاه باشند و او را درک کنند، در زندگی فردی و اجتماعی وی تأثیرات مثبتی خواهد گذاشت.</p>		<p>چطوری شد بیرانوند، حمایت شد ازش، واقعاً دم‌تون گرم، واقعاً منو شرمند کردید. حمایت ما رو ببین، هی صد هزار نفر می‌گویند بهتاش، بهتاش ولی، ای خدا، ای خدا».</p>	
<p>مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر اصل عدم تفاهم، درک و همدلی با همسر از طرف شخص نقی دارد. هما از اینکه همسرش از احوالات نامزد سابق خود باخبر است بسیار عصبانی است و نقی به جای آنکه احساس همسر خود را درک کند و با او همدلی کرده و دلجویی</p>	<p>در نمایی متوسط از اتومبیل، نقی و بهبود در جلو، هما و فهیمه در پشت ماشین نمایش داده می‌شوند که مشغول گفت‌وگو بوده و در نمایی کلوز آپ حالات چهره هما و نقی نشان داده می‌شود که مدام در حال بحث و کلنجار هستند. نورپردازی و رنگ‌ها،</p>	<p>هما از نقی می‌خواهد به رابطه‌ی فامیلی با ارسطو خاتمه دهد وقتی نقی علت را جویا می‌شود هما می‌گوید: «در وضعیتی دیدمش که ادامه‌ی این رابطه به صلاح نیست. دیدمش با دختر محمود نقاش داشتند با هم صحبت می‌کردند» نقی: «با طاهره؟»، هما: «اسم این خوب یادت مونده نه؟»، نقی: «خوب یادم مونده که بالآخره این</p>	<p>۱۱</p>

<p>همسایه‌ی ما بود، من آرزایمیری که نیستم. من یادم مونده.» هما: «اسم همه‌ی همسایه‌ها تون یادت مونده؟» نقی: «همه‌ی همسایه‌ها رو خیر، ولی هما جان، ما سن و سالی از مون گذشته، دخترهای ما بزرگ شدند، تو الان داری اخبار می‌گی، آخه بد واسه ما» هما: «آخه نقی جان من چه کار به شما دارم. من ارسطورو می‌گم.» بهبود: «حالا چی کار می‌کنه، ازدواج کرده؟» نقی: «متارکه کرده» هما با لحنی حاکی از خشم به نقی می‌گوید: «شما خیر داری متارکه کرده؟» نقی: «بابا همه خبر دارن».</p>	<p>درون‌مایه تیره داشته، که نشان از سختی شرایط و دگرگونی فضا از حالت آرامش به فضای کلافه‌گی توأم با التهاب و سرزنش است.</p>	<p>نمایید، در عوض با دادن اطلاعات بیشتر از دختر محمودنقاش مانند تعداد فرزندان و نام آن‌ها زمینه بیشتر ناراحتی هما را فراهم می‌آورد. درخصوص پرهیز از آزار همسر، امام جعفر صادق <small>علیه السلام</small> می‌فرماید: «ملعون است ملعون، مردی که همسرش را بیازارد و وی را غمگین و غصه‌دار کند، و خوشبخت است، زنی که احترام شوهر را نگه دارد و وی را نیازارد و از ایشان اطاعت نماید» (مجلسی، ۱۳۷۳: ۲۵۳).</p>
--	---	--

جدول ۷. اصل احترام و توجه

اصل احترام و توجه			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدیولوژیک
۸	فهمیه با اینکه همسرش بعد از سال‌ها دوری از خانواده به خانه	نمای دو شات و هم‌سطح از چهره نقی و فهمیه	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر

<p>برگشته، زانوی غم به بغل گرفته است. در این وضعیت هما می‌گوید: «الان هرکی جای ما بود تو خوش گل و شیرینی بود»</p> <p>در این لحظه مردی میان سال زنگ در خانه را می‌زند. او از طلبکارهای بهبود است که در زمان مرگ او بدهی‌اش را بخشیده بود ولی حالا با شنیدن خبر زنده بودن بهبود در پی طلب خود آمده است. فهمیه می‌گوید: «داداش من از پول قبر هیچی نمی‌دم‌ها گفته باشم. من پول قبر رو بابت بدهی این خائن نمی‌دم. ایشالله همون قبر رو...» هما: «آقا جان این طلب‌کاره خب، پولش رو می‌خواد دیگه.»</p>	<p>نشانگر وجود حس اعتماد و سپردن امور از جانب فهمیه به برادرش نقی است.</p> <p>و نورپردازی و رنگ‌های تیره به همراه نشان دادن چهره غضب‌آلود فهمیه دلالت بر وجود مشکلات و سختی‌های پیش‌رو دارد و حس بدبینی و بی‌توجهی به همسرش را یادآور می‌شود.</p>	<p>عدم احترام و توجه فهمیه نسبت به همسرش دارد انسان دچار لغزش و اشتباه می‌شود و مرد هم از این قاعده مستثنی نیست، پس لازم است که زن با تدبیر و اندیشه، خطاهای احتمالی همسرش را نادیده بگیرد. «هر زن باید در احترام و گرامیداشت مردش بکوشد، خطای مرد را در پیش فرزندان بازگو نکرده و حتی اگر فرزندان خطای پدرشان را یادآوری کردند، مادر ذهن فرزندان را از این موارد دور سازد و احترام پدر را در دل ایشان استوار کند.»</p>
--	---	---

جدول ۸. اصل حق‌مداری

اصل حق‌مداری			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدیولوژیک
۵	نقی از همسرش می‌خواهد که در اخبار خبر بازگشت	نمای کامل از اتاق خواب، لحن هما محکم و آرام است.	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر

	<p>نقی معمولی پیشکسوت کشتی را از سفر حج اعلام کند، هما سر باز می زند و می گوید که او نمی تواند در اخبار دست ببرد و اصلاً اجازه ی این کار را ندارد و به نقی می گوید که جای دیگری هم این حرف را زند و نقی با گفتن چشم، حرف همسرش را می پذیرد.</p>	<p>به تعدد نماهای ثابت و متوسط از چهره نقی و هما نشان داده می شود. زاویه دوربین از چهره ی هما به صورت بالا به پایین است که تسلط و ثبات تصمیم هما را در این صحنه نشان می دهد. از نورپردازی روشن نیز استفاده شده که خوشبختی و صمیمیت این زوج را تداعی می کند.</p>	<p>پذیرش اصل حق مداری از سوی نقی دارد. چرا که او با حالتی توأم با خواهش و درخواست عاجزانه از هما می خواهد که خبر بازگشت او از سفر حج را در اخبار بخواند و لحن صدای هما همراه با خنده و تعجب است که به او می گوید اجازه انجام چنین کاری را ندارد اما در نهایت، به هما حق داده و ناراحتی و گله نیز از او به دل نمی گیرد.</p>
<p>۶</p>	<p>نقی وقتی می بیند هما خوابیده و در محل کارش حاضر نشده، روبه او می گوید: «فهیمه رو ببین پول داده کلاس رفته، کار نیست نتونه این انجام بده، بوتاکس می کنه، ژل می زنه، مانیکور می کنه، پدیکور می کنه». هما: «برو به کارت برس، اینقدر هم سر صبحی</p>	<p>نما از اتاق هما، نشانگر پارتیشن های چوبی ای که در راهروی خارجی خانه قرار دارد، می باشد. صدای پای نقی در فضا پیچیده است. زاویه دوربین هم سطح است و سعی می کند سوژه ها را در حالت مساوی با یکدیگر به تصویر بکشد، دوربین</p>	<p>وقتی نقی می بیند هما در محل کارش حاضر نشده و مرخصی گرفته و خوابیده است، خواهرش فهیمه را با هما مقایسه می کند که این رفتار نقی، باعث ناراحتی هما می شود. در واقع، باید باانصاف و حق نگر بود چرا که هر فردی ویژگی خاص خود را دارد و در تعیین قابلیت ها و</p>

<p>توانایی‌ها به‌هیچ‌وجه نمی‌توان شخصی را با فرد دیگر مقایسه کرده و دارای ویژگی‌های یکسان دانست.</p>	<p>به‌صورت چرخشی در حرکت است و همه‌ی فضا را مرور می‌کند.</p>	<p>واسه من فهیمه، فهیمه نکن» در این لحظه سارا و نیکا، وارد اتاق می‌شوند. نقی: «چیه حسودی می‌کنی بهش».</p> <p>هما لحاف را پس می‌زند و با چهره‌گریان می‌گوید: «آره...»</p>
--	--	--

جدول ۹. اصل تأمین نیازها

اصل تأمین نیازها				
صفحه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی	
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک	
۴	<p>فهمه در میانه آشپزی کردن با دیدن بهتاش به سمت او می‌رود و به پسرش پیشنهاد می‌کند که دختر مالکی (نماینده مجلس) گزینه مناسبی برای ازدواج با او است.</p>	<p>از لحاظ نورپردازی، نور مایل به تاریک است که، فضای ناآرام خانه را القاء می‌کند. زاویه‌ی دوربین، زاویه‌ای با نمای متوسط است که هم بر تمرکز مخاطب می‌افزاید و هم کل صحنه را در بر می‌گیرد. زمانی که بهتاش در صحنه حضور دارد، نور صحنه مقداری مایل به تیره</p>	<p>مجموعه رمزگان اجتماعی و فنی بررسی شده دلالت بر اصل تأمین نیازهای فرزندان ازسوی فهمه دارد. فهمه چون همسرش را در کنار خود نمی‌بیند و از طرفی وقتی می‌بیند پسرش به سن ازدواج رسیده و تنهاست به دنبال همسر برای اوست تا سر و سامان گیرد. او برای تأمین نیازهای مادی و معنوی (نظیر تهیه مسکن و هزینه زندگی، تدارک ازدواج فرزندان و کمک در تأمین نیازهای</p>	

می‌شود زیرا فضایی همراه با غم و جروبحث حاکم است.	اولیه خانواده به کار آرایشگری روی آورده و گذران زندگی می‌کند.
--	---

جدول ۱۰. اصل خوش گفتاری

اصل خوش گفتاری			
صحنه	سطح نخست واقعیت	سطح دوم بازنمایی	سطح سوم ایدئولوژی
	رمزهای اجتماعی	فنی	ایدئولوژیک
۶	سارا: «مامان مریضه». نقی: «یعنی چی، تا دیروز سالم بود، امروز نمی‌ره سرکار؟» سارا و نیکا: «نه امروز نمی‌ره» در آن لحظه تلفن نقی به صدا درمی‌آید و نقی در حضور دخترانش به دروغ به فرد پشت تلفن که گویا نماینده مجلس است می‌گوید: «حاجی الان می‌رسم، دارم بنزین می‌زنم»	زاویه دوربین به صورت هم‌سطح و با نمای متوسط و به صورت شات‌های منقطع بر روی چهره نقی سعی در القای شخصیت مترلزل او در این سکانس دارد. با ایجاد طیفی از رنگ‌های تیره که بر اثر سایه پرده پشت پنجره، بر روی صورتش ایجاد شده، گویی تأکید به همان وجه تاریک شخصیتی اوست.	مجموع رمزگان اجتماعی و فنی، دلالت بر اصل عدم خوش گفتاری و راستگویی ازسوی نقی دارد. او در حضور فرزندانش دروغ می‌گوید، پرورش و شکل‌دهی شخصیت فرزندان در کودکی همانند نقشی که بر سنگ زده می‌شود، است. دروغ‌گویی پدر و مادر باعث تشکیل یک زنجیره معیوب شده و در نتیجه فرزندان آن‌ها نیز دروغگو و بی‌تعهد تربیت و تحویل جامعه خواهند شد.

بحث و نتیجه‌گیری

سریال پایتخت ۶، به‌علت قرار داشتن در ژانر خانوادگی و طنز، اغلب بسیاری از مسائل تلخ اجتماعی و ناهنجاری‌های روابط درون خانوادگی را هرچند غلوآمیز اما در بیان کم‌دی

مطرح کرده است. از این جهت که نقطه ثقل سریال با محوریت روابط همسران و اعضای خانواده شکل می‌گیرد، نمایش اصول و محورهای اخلاقی نظیر مودت و مهربانی و تفاهم و همدلی و... در کنار رفتارهای نامناسب و اعمال فردی هر یک از شخصیت‌ها با ذکر و تبیین آسیب‌های روز اجتماعی، به همان اندازه دارای اهمیت است. چرا که طنزگونه بودن داستان که موجب همذات‌پنداری بیشتر مخاطب با کاراکترها می‌شود نباید بر واقعیت‌ها و آفات رفتاری، اخلاقی، اجتماعی شخصیت‌ها سایه افکننده و نقد آن‌ها را به تعویق بیندازد. «حفظ حریم خانواده» کلیدی‌ترین برگ برنده داستان «پایتخت» در پنج فصل گذشته بود. در فصل ششم اما غایب‌ترین عنصر در روایت داستان بحث «خانواده» بود. متأسفانه فرمول «ادب از که آموختی از بی ادبان» این بار برای توجیه کارگر نخواهد افتاد، چه برسد به اینکه در خانه‌ای که «از در و دیوارش دروغ می‌ریزد» (دیالوگی از بهتاش در فصل ششم سریال) و دیگر حتی مانند گذشته، نشانه‌ای از سلامت رفتاری استوانه اصلی این خانواده یعنی «هما» هم دیده نمی‌شود، دیگر چه امیدی می‌توان برای ختم به خیر شدن این کج‌روی‌ها داشت؟ مجموعه‌ی پایتخت ۶ در کنار بسیاری از جنبه‌های مثبت و تحسین‌برانگیز خود که پیش‌تر به آن اشاره شد، به طرز شگفت‌آوری، پیش‌تاز در اباحه‌گری و ترویج سبک زندگی غربی و نیز بدعت‌گذار در شوخی با ارزش‌های اساسی جامعه شده است. مصادیق فراوانی برای خیز این سریال در تغییر سبک زندگی و ترویج سهل‌انگاری در روابط خانوادگی قابل بیان است؛ به‌طور مثال «فهمه» دچار دگردیسی^۱ شده، با از دست دادن شوهر، دل‌باخته رحمت می‌شود و این موضوع را در مقابل فرزندان خود، علنی می‌کند. هرچند موضوع ازدواج او در نبود همسرش خارج از عرف نیست، اما روابط او با رحمت هنجارشکنی‌هایی دارد که، قبح‌زدایی از عفت زن ایرانی است. از دیگر مصادیق تغییر سبک زندگی در سریال، کم‌رنگ شدن حیا، عدم رعایت حدود محرم و نامحرم همچون بوسیدن زن‌دایی توسط پسر ممیز ۱۲ ساله، تساهل در روابط دختر و پسر، دیالوگ‌ها و تیکه‌های نامتعارف، ترویج رقص غربی، عادی جلوه دادن نصب ماهواره در منزل، ترویج پنهان کاری و دروغ، اشاعه موسیقی مبتذل، ترویج ریا و تزویر و... است.



از نکات جالب پایتخت ۶ این است که، تنها فردی که در این خانواده به موفقیت، نان و نوا می‌رسد بهتاش است. ارسطو در قسمت‌های آخر سریال، حرف نهایی فیلم را می‌زند و به بهتاش می‌گوید: ما رو شبیه خودت کن! بنابراین اگر در پایتخت ۵ کاراکتر بهتاش به اشتباهات خود پی می‌برد و با دیدن روحیه بزرگوارانه نقی و ارسطو سعی می‌کند تا خود را شبیه آن‌ها کند، اما در پایتخت ۶، ورق برمی‌گردد.

جمع‌بندی مطالب گفته شده مؤید آن است که گستاخی‌ها، بددهنی‌ها و بی‌ادبی‌های فرزندان در مواجهه با بزرگ‌ترها و پدر و مادر تحت عنوان «شکاف بین نسلی»، متوسل شدن به شعائر دینی به بهانه مذهبی بودن و رواج دروغ‌گویی و پنهان‌کاری در میان شخصیت‌های داستان، اشاعه و عادی‌سازی روابط نادرست و شکستن حریم محرم و نامحرم، القاء سوءظن در خانواده‌های ایرانی، استفاده از شوخی‌های نابه‌جا در میان اعضای خانواده که تاکنون در فیلم‌های سینمایی قابل مشاهده بود از جمله ناهنجاری‌هایی است که به رسانه ملی هم راه یافته است. رسانه ملی، باید تصویرگر فضایل جامعه باشد نه رذایل آن، حتی اگر در جامعه، مشکلات و ناهنجاری‌هایی هم وجود دارد، رسانه ملی باید در راستای حل این مسائل برآید، نه اینکه عادی‌سازی و قبح‌زدایی از آن کند. پایتخت یک سریال معمولی تلویزیونی نیست، میلیون‌ها بیننده دارد و همه با شخصیت‌های آن همزادپنداری می‌کنند. همین مسئله کار سازندگان را سخت می‌کند. آن‌ها باید بدانند که در کنار وجه سرگرمی، وجه تربیتی و آموزشی نیز دارند که آن هم به واسطه تعداد بالای مخاطبان‌شان اهمیت ویژه یافته است. زمانی که مخاطب این آثار را می‌بیند، ناخودآگاه همان رفتار را با خانواده خود انجام می‌دهد. نتیجه هم این است که در خانواده‌هایی که با تحقیر، سرزنش، خشونت جسمی، روحی و روانی با یکدیگر رفتار می‌کنند، اعضاء عصبانی هستند و خشونت در ضمیر آن‌ها نهادینه می‌شود. همه این موارد باعث می‌شود وقتی فرد وارد جامعه شد رفتار پرخاشگرانه از خود نشان دهد. سریال‌ها باید امیددهنده و شادی‌بخش باشند، تا این فضای شاد به جامعه تزریق شود. سریال پایتخت در عین اینکه تلاش می‌کند تا لحظات مفرحی را ایجاد کند، باید به رفتار و روابط میان شخصیت‌ها هم توجه کرده تا تأثیرات مثبت آن بیشتر شود. در پایتخت ۶ افراد از

خانواده‌های خود دور شده‌اند؛ فردگرایی و شکاف ایجادشده در سریال، بحران هویت در خانواده را تقویت کرده؛ نقش اعتیاد و مواد و مجموع مواردی که بیان شد، فصل‌به‌فصل پررنگ‌تر می‌شود و باعث شده بسیاری از کارها و وظایفی را که افراد به‌صورت متقابل در خانواده باید برعهده داشته باشند به ورطه فراموشی سپرده شود. سست شدن اساس احترام و مشورت در خانواده می‌تواند امنیت یک خانواده را خدشه‌دار کند. رسانه ملی جمهوری اسلامی در کارزار جنگ تمام‌عیار رسانه‌ای دشمن که ازهرسو به‌دنبال تغییر ذائقه مخاطب و تقلیل نظام ارزشی آن به مباحث سطحی و پیش‌پاافتاده است و در میدان جنگ شناختی که تحریف باورها، نگرش‌ها و ارزش‌های اسلامی و الهی مردم ایران، آماج حملات بی‌رحمانه دشمن قرار گرفته است، دانشگاه عمومی خواهد شد. به این ترتیب رسانه ملی علاوه بر سرگرم کردن مخاطب، آموزش همگانی با هدف اعتلای سبک زندگی و سبک نگرش مردم را در دستور کار خود باید قرار دهد و این مقوله یعنی درنظر گرفتن «مصلحت مخاطب» در کنار توجه به «ذائقه» او. ضروری است رسانه ملی با رویکرد دینی و گسترش تفکرات اسلامی متناسب با زمانه و بر اساس واقعیت‌های ملموس جامعه و رفتار خانواده‌ها برنامه‌سازی کرده تا پادزهری باشد در برابر رسانه‌های بیگانه‌ای که در حال حاضر، با ترفندهای ازپیش تعیین‌شده نفوذ پرکشش و گستره وسیعی یافته‌اند.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آقابابایی، احسان (۱۳۹۵). تحلیل روایت چگونگی بازنمایی خانواده در سینمای بعد از انقلاب اسلامی ایران. تهران: نشر جامعه‌شناسی ایران.
۴. آقداغی، میثم؛ خنیفر، حسین؛ دانایی‌فرد، حسن؛ دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۹۷). واکاوی و فهم اصول اسلامی خط‌مشی‌گذاری مبتنی بر سیره حکومتی پیامبر ﷺ. مدیریت اسلامی، ۲۶(۱)، ۱۰۷-۱۴۵.
۵. بنی‌هاشمی، محسن؛ پرویز، غلام‌عباس (۱۳۹۲). بازنمایی خانواده در سریال تلویزیونی «راه طولانی» و مقایسه‌ی آن با سیاست‌های رسانه‌ی ملی در افق رسانه. مطالعات سبک زندگی، ۲(۵ و ۶)، ۳۳-۵۲.

۶. پیری، حسن؛ واحدیان، مرتضی؛ سهرابزاده، مهران (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی رسانه در بازنمایی خانواده و گونه‌های آن (مطالعه موردی صداوسیما مرکز ایلام). زن در فرهنگ و هنر، ۱۳(۲)، ۳۱۹-۳۴۰.
۷. حرعاملی، محمدبن حسن (۱۳۸۸). آداب معاشرت از دیدگاه معصومین علیهم‌السلام. ترجمه محمدعلی فارابی. مشهد: نشر بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸. خبرگزاری دانشجو، (۱۳۹۹). رضایت مخاطبان تلویزیون از «پایتخت ۶» ۲۰ درصد کاهش یافت / اخبار/. بازیابی شده در ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۱، از snn.ir/003WEZ
۹. درویشی، علی (۱۳۹۵). بررسی سبک زندگی بارویکرد اخلاق اسلامی در سریال پایتخت ۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه هنرهای رسانه‌ای، دانشکده دین و رسانه دانشگاه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران.
۱۰. راووداد، اعظم (۱۳۸۸). نقش برنامه‌های دینی و غیردینی تلویزیون در افزایش یا کاهش دین‌داری. تحقیقات فرهنگی ایران، ۲(۶)، ۴۹-۷۷.
۱۱. رضائی، مریم (۱۳۹۴، ۲۷ آبان). تأثیر مدرنیسم بر خانواده‌های جامعه اسلامی. مقاله ارائه‌شده در کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، تهران.
۱۲. طوسی، نصرالدین (۱۳۷۷). اخلاق ناصری. تهران: نشر خوارزمی.
۱۳. غفوریان، محمد (۱۳۸۵). مجموعه قوانین و مقررات سازمان صداوسیما. تهران: نشر صداوسیما.
۱۴. گلاسر، ادوارد (۱۳۸۷). تحلیل استراتژیک. ترجمه ثنا جهاندار. تهران: نشر راه پرداخت.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۳۷۳). بحارالأنوار. ترجمه سیدابوالحسن موسوی همدانی. بیروت: نشر دارالاحیاء.
۱۶. منادی، مرتضی (۱۳۹۵). جوان و نهادهای اجتماعی، رویکرد جامعه‌شناسی. تهران: نشر جامعه شناسان.
۱۷. نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۷۰). الجامع الصحیح. ترجمه عبدالقادر ترشابی. تهران: نشر حرمن.
۱۸. هرمزی‌زاده، محمدعلی؛ صلواتیان، سیاوش؛ قاسمی‌تبار، هادی (۱۳۹۷). بازنمایی روابط خانوادگی در فصل‌های چهارگانه مجموعه تلویزیونی پایتخت. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۱۴(۱)، ۷-۲۲.
19. Fisher, A. (2011). *Critical thinking: An introduction*. London: Cambridge University Press.
20. Hall, S. & Jhally, S. (2007). *Representation & Media*. London: Northampton MA, Media Education Foundation.

Critical Study of Representation of Family Relations in "Paytakht 6" TV Series Based on Islamic Teachings

Marzieh Beigi* (Corresponding Author)
Saeed Amirkaveh**

Abstract

Purpose: The purpose of the current research is to critically examine family relationships in the TV series Paytakht 6 based on Islamic ethics and teachings.

Methodology: This research has used documentary and library method to present ethical principles in the field of family relationships and then by semiotic analysis based on John Fisk semiotics, the ethical themes related to family relationships in this series have been investigated qualitatively and practically.

Findings: The findings include the results of a critical review of the sequences in the series Capital 6 and ethical principles in the field of family relationships. The research seeks to describe and explain positive and negative points and components with the help of 11 ethical axes along with examples. The axes include: kindness and good behavior, kindness, mercy and kindness, patience and forbearance, forgiveness and forgiveness, tolerance and good nature, understanding and empathy, respect and attention of parties, right-mindedness, meeting needs, gratitude and avoiding giving up and It is the principle of eloquence. The findings have been collected and analyzed in accordance with the foundations and documents of the Qur'an and narration, and the expression of the result will provide a drawing of appropriate parameters and desirable behavioral indicators in the family.

Conclusion: Proper training of the young generation will be well formed in the center of the family by adhering to and observing the moral principles between spouses and children. Also, it is necessary to carry out a comprehensive research on the adaptation of local culture with religious teachings in the style of family relationships in order to lead to the best possible management in the family.

Keywords: Critical review, representation, family relations, Paytakht 6 series, Islamic teachings, ethics.

* MA of Communication Sciences, Faculty of Religion and Media, IRIB University, Qom, Iran. Marzieh1.beygi@yahoo.com.

** PhD in Culture and Communication, Baqir al-Olum University, Qom, Iran. samirkave@gmail.com.

